

احمد بن محمد بن خالد برقی در آئینه المحاسن

مجید معارف^۱

رضا قربانی زرین^۳

چکیده:

در این تحقیق پس از کاوشی درباره شخصیت احمد بن محمد بن خالد برقی و پدر وی محمد بن خالد در کتب رجال و فهرست و همچنین بررسی اسناد بخش بر جای مانده از کتاب *المحاسن* در مقایسه با اسناد *الکافی* نتیجه گرفته می‌شود که برقی پسر از جمله ثقات و معتمدین در امر حدیث بوده است و نقل زیاد او از ضعفاء حداقل در بخش برجای مانده از *المحاسن* بازتاب چندانی ندارد. همچنین مجموعه کتب *المحاسن* در زمره منابع معتبر حدیثی بوده و کاهش یا نقصان منقول در آن به کمی یا زیادی تعداد کتابهای آن ارتباط دارد و نه تغییر در متن آنها. از دیگر سو مقایسه میزان نقل برقی از مشایخ در دو کتاب *المحاسن* و *الکافی* می‌تواند نشانه‌ای بر اصالت بخش بر جای مانده از *المحاسن* تلقی گردد.

واژه‌های کلیدی: احمد بن محمد بن خالد ، برقی، *المحاسن*، مصادر *الکافی*، توثیق

^۱ - استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

^۳ - دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران
تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۲۰

طرح مسأله

أحمد بن محمد بن خالد برقی یکی از محدثان نامور شیعه در قرن سوم هجری است. او به همراه پدرش به روایت بسیاری از کتب حدیثی پرداخته و از انبوه روایات خود کتابی عظیم با نام *المحاسن* گرد آورده است. هر چند اکنون تنها اندکی از این کتاب بر جای مانده است. شخصیت برقی پسر و پدر با ابهاماتی روبرو بوده است که از دیر باز در بیان فهرست نویسندگان و رجالیان بازگو شده است. مطابق با این بیانات ایشان از ضعفاء روایت نموده و بر مرسلات اعتماد می‌ورزیده‌اند. امری که برقی پسر را تا اخراج از قم نیز پیش برده است. از دیگر سو وثاقت ایشان فی حد نفسه مورد تایید بوده است. برخی از متأخران سعی در تبیین این ابهام به این شکل نموده‌اند که اشکال ایشان در اخذ نسخ به صورت وجاده‌ای و بدون سماع و قرائت بوده است. این مقاله بر آن است تا با استفاده از بخش باقیمانده از *المحاسن* و سایر قراین به پرسشهای زیر پاسخ دهد:

۱- آیا برقی پسر و پدر موثق و قابل اعتماد هستند؟

۲- آیا ایشان مطابق حدس برخی متأخران در نقل نسخ کتابها بی‌مبالا بوده‌اند؟

۳- آیا بخش باقیمانده از *المحاسن* اصیل است؟

۴- آیا مطالب منقول درباره ایشان در *المحاسن* نیز بازنتاب دارد؟

ناگفته پیداست که از رهگذر پاسخ به این پرسشها ابهاماتی که در باره شخصیت ایشان مطرح شده نیز تا حد زیادی رفع شده و حقیقت امر هویدا خواهد شد.

۱- معرفی خاندان برقی و برقی پدر

جداعلای خاندان برقی محمد بن علی از اهالی کوفه بوده که به دست حجاج بعد از واقعه زید بن علی بن حسین علیهما السلام کشته می‌شود. پس از او پسرش عبدالرحمان به همراه فرزند خود خالد به دیار قم می‌گریزد. وی در برق‌رود از نواحی قم ساکن می‌گردد. (نجاشی، ۷۶؛ طوسی، الفهرست، ۵۱) از پسران خالد این افراد شناخته شده‌اند: محمد (مکنی به ابو عبدالله)، حسن (مکنی به ابو علی)، فضل (مکنی به ابوالقاسم) (نجاشی، ۳۳۵)

در این میان حسن توسط نجاشی (۶۱،) توثیق شده و از کتاب النوادر او نام برده شده است. طوسی (الفهرست، ۱۲۶) نیز وی را صاحب کتابهایی بر شمرده است. نوه فضل نیز با نام علی بن علاء به عنوان فقیه شناخته شده است. (نجاشی، ۳۳۵)

اما مشهورترین این افراد را باید محمد بن خالد دانست. وی ادیب و آگاه به اخبار و علوم عرب بوده است. (همو، ۳۳۵) نجاشی از کتابهای متعددی از وی نام می‌برد. که عنوان برخی از آنها با دانش وی به تاریخ و اخبار عرب سازگار است. از جمله دو کتاب ”مکة و المدینة“ و ”حروب الأوس و الخزرج“ همچنین کتابی با نام ”الخطب“ که شاید تا حدی بیانگر ادیب بودن وی باشد. اما هیچ کتاب فقهی مهمی در بیان نجاشی نیامده است. در برابر طوسی (الفهرست، ۵۴) تنها از کتاب النوادر وی نام می‌برد که عنوانی مشهور در نام گذاری کتب روایی (فقهی) بوده است.

دقت در نام کتابهای وی بنا به تفصیل نجاشی گرایشهای کلامی وی را نیز آشکار می‌کند. کتابی درباره علم باری و کتابی با عنوان التنزیل و التعبير (یا التنزیل و التخییر؟) می‌تواند بیانگر گوشه‌ای از این گرایشها باشد.

اما مهمترین بحث درباره او، تضعیف یا توثیق وی است. اهمیت بحث از آن روست که وی مهمترین شیخ حدیثی فرزند خود به شمار می‌آید.

درباره محمد بن خالد تصریحی دال بر توثیق او توسط شیخ طوسی صورت پذیرفته است. طوسی ضمن یادکرد از او در شمار اصحاب امام رضا علیه السلام او را موثق می‌خواند. (طوسی، رجال، ۳۶۳)

در برابر نجاشی وی را در امر حدیث ضعیف می‌داند. (نجاشی، ۳۳۵) ابن غضائری نیز بخشی از احادیث وی را منکر خوانده، به نقل فراوان او از ضعفاء و نیز اعتماد وی به مراسلات اشاره دارد. (ابن غضائری، ۱، ۹۳) ابن داود وی را در شمار ممدوحان و موثقان یاد کرده (ابن داود، ۳۰۹) و علامه حلی توثیق او را می‌پذیرد. (حلی، ۱۳۹) آیت الله خوبی توثیق وی توسط شیخ طوسی را بدون معارض دانسته و عبارت نجاشی را ظاهر در تضعیف محمد بن خالد نمی‌داند بلکه این تضعیف را مطابق عبارت متوجه حدیث وی می‌داند به این معنا که در احادیث او روایات ضعیف و منکر دیده می‌شود، آن گاه با نقل ابن غضائری این مطلب را تقویت می‌نماید. (خوبی، ۶۶/۱۶-۶۷) به این ترتیب شخصیت خود محمد بن خالد برقی موثق و قابل اعتماد بوده اما کثرت نقل از ضعفاء و اعتماد به مراسلات در وهله نخست از اعتبار احادیث او می‌کاهد؛ مگر آن که از فرد معتبری به نقل حدیث بپردازد.

شیخ طوسی همان گونه که بیشتر نیز اشاره رفت او را در شمار اصحاب امام کاظم، رضا و جواد علیهم السلام ذکر می‌کند. (طوسی، رجال، ۳۶۳، ۳۴۳ و ۳۷۷) اما در باب اصحاب امام هادی علیه السلام یادی

از او نمی‌کند. همچنین است وضعیت او در رجال برقی که نویسنده آن از خاندان خود وی بوده است. (شبییری) به این ترتیب باید وفات او را حداکثر حوالی سال ۲۲۰ تخمین زد. استاد بهبودی درباره او و همچنین پسر وی أحمد بیانی دارند که در ادامه خواهد آمد.

۲- معرفی برقی پسر

برقی پسر یا أبوجعفر أحمد بن محمد بن خالد بنا به تخمین برخی در حدود سال ۲۰۰ به دنیا آمده است. (شبییری) وی را از اصحاب امام جواد و هادی علیهما السلام (برقی، رجال، ۵۷ و ۵۹؛ طوسی، رجال، ۳۷۳، ۳۸۳) برشمرده‌اند. او همچنین زمان امام عسکری علیه السلام و غیبت صغری را نیز درک کرده است.

بنا بر نقل نجاشی از ابن غضائری سال وفات وی ۲۷۴ ه.ق. و بنا بر نقل وی از نوه دختری برقی علی بن محمد ماجیلویه ۲۸۰ ه.ق. بوده است. (نجاشی، ۷۷)

وی محدثی بزرگ بوده است که ضمن استفاده از پدرش از مشایخ فراوانی اخذ حدیث نموده است. شمار مشایخ وی را در حدود ۲۰۰ تن ذکر کرده‌اند. (همانجا)

وثاقت او فی حد نفسه مورد تایید نجاشی (۷۶)، طوسی (الفهرست، ۵۱) و ابن غضائری (۳۹) است. اما همگان نقل روایت از ضعفاء و اعتماد به مرسلات را درباره او تذکر داده‌اند. طوسی بر فراوانی نقل او از ضعفاء تصریح دارد. (همانجا) به این ترتیب او نیز همانند پدرش فی حد نفسه موثق است. تقریباً تمامی متاخران نیز وثاقت او را پذیرفته‌اند.^۱

البته نقل وی از ضعفاء مشکلاتی را نیز متوجه او ساخته است. از آن جمله ابن غضائری آورده است که أحمد بن محمد بن عیسی او را از قم تبعید نمود. هر چند تصریحی به علت دقیق این تبعید نشده است، البته أحمد بن محمد بن عیسی سپس وی را به قم بازگردانده و عذرخواهی نموده است. (ابن غضائری، ۳۹) ابن داود و علامه حلی به حضور أحمد بن محمد بن عیسی در تشییع جنازه او با پای برهنه و بدون عمامه به جهت جبران آن چه در حق او به عمل آورده بود، اشاره دارند. (ابن داود، ۴۰؛ حلی، ۱۴)

^۱ از طبقه نخست می‌توان به جمله علامه حلی در الخلاصة (۱۵)، شیخ بهایی در مشرق الشمسین (۲۷۷)، شهید ثانی در الرعاية (۳۷۰-۳۷۱) و شیخ حسن در منتقى الجمال (۴۳) اشاره نمود.

به این ترتیب وثاقت او مورد تایید عموم علمای رجال و حدیث قرار دارد و کمتر دچار شبهه شده است.^۱

استاد بهبودی ضمن تایید وثاقت برقی پدر و پسر تبیینی را برای ضعف حدیث ایشان بیان نموده است. ایشان تعبیر منسوب به ابن غضائری را را درباره محمد بن خالد چنین تفسیر می کند که منظور از معروف بودن احادیث وی نقل از روی سماع و قرائت است و بخش منکر آن به اخذ وجادهای برقی از کتب و اصول اصحاب باز می گردد. (بهبودی، ۲۰۳)

همچنین ایشان درباره برقی پسر نیز پس از نقل عبارات رجالیان چنین نتیجه می گیرند که برقی پسر فردی کذاب یا مدلس نیست بلکه گاهی اوقات بدون دقت کافی در تشخیص نسخ صحیح به صورت وجادهای اقدام به اخذ کتب می نموده است. (همانجا، ۱۰۸)

تقریباً نظر ایشان درباره این راوی با پدرش یکسان است و بر اخذ وجادهای نسخ اصول توسط ایشان تاکید دارد.

در مقام بررسی نظر ایشان باید گفت که این نتیجه مورد تصریح کتب رجال نبوده، تا حد زیادی جنبه اجتهادی دارد. شاید بتوان بی مبالاتی در امر اخذ حدیث از ضعفاء و اعتماد به روایات مرسل را به تساهل در امر اعتماد به نسخ هم تعمیم بخشید؛ اما باید توجه داشت که تساهل در اعتماد به نسخ لازمه منطقی نقل از ضعفاء نیست. با توجه به تاکید برخی از قدما مبنی بر حفظ میراث حدیثی، اخذ روایات از ضعفاء و ثبت مراسلات به جهت احتوای آنها بر احادیثی از اهل بیت علیهم السلام قابل تصور است؛ اما در عین حال دقت در دستیابی به نسخ صحیح و مورد اعتماد - در جایی که امکان پذیر است - هیچ تخلفی با مشی مذکور ندارد. چنان چه در مشی بسیاری از محدثان بزرگ هم چون علامه مجلسی نیز تا حدی نظیر آن دیده می شود. اما جدا از این مطلب که به نوعی احتمالی بودن اجتهاد آقای بهبودی را بیان می نمود، به نظر می رسد بتوان قرائنی بر اثبات نادرستی آن نیز اقامه نمود.

قرینه نخست آن که بنا به تصریح ابن غضائری (۳۹۰) طعن در خود برقی نبوده است و این طعن فقط درباره افرادی بوده که وی از ایشان روایت می نموده است.^۲ حال اگر برقی به نسخ وجادهای اعتماد می نمود، طعن بر خود او وارد می شد در حالی که طعن بر مشایخ او وارد شده است.

^۱ شاید تنها نکته باقیمانده در تضعیف احتمالی وی عبارتی ذیل یکی از روایات الکافی باشد که در آن محمد بن یحیی به راوی دیگری می گوید که دوست می داشت این روایت از غیر طریق برقی روایت شده بود. در توضیح این بیان نه چندان روشن و عدم تعارض آن با وثاقت برقی ن.ک. خویی، ۲، ۲۶۵-۲۶۶

^۲ طعن القمیون علیه و لیس الطعن فیه. إنما الطعن فی من یروی عنه فإنه کان لا یبالی عنم یاخذ علی طریقہ أهل الأخبار

قرینه دوم این که مشی نجاشی در ذکر طریق برای کتابها، اختصار کامل است و بدین منظور تنها به ذکر یک یا دو طریق اکتفا می نماید. (نجاشی، ۳ و ۱۱۶ و ۲۳۱) به این ترتیب در بیان طریق کتابها علی القاعده معتمدترین طریق را برمی گزیند. با مراجعه‌ای به کتاب فهرست نجاشی مشاهده می شود که در موارد بسیاری در ذکر طرق کتب به ذکر طریق مشتمل بر أحمد بن محمد بن خالد یا پدر وی می پردازد و بر آن اقتصار می ورزد. در مجموع در کتاب وی در ۷۶ مورد، طریق ارائه شده مشتمل بر أحمد بن محمد بن خالد یا پدر وی است. در این میان در ۴۰ مورد نام أحمد به تنهایی در طریق قرار گرفته است. نام محمد بن خالد در ۷ مورد به تنهایی آمده و نقل أحمد از پدرش نیز در ۲۹ مورد ذکر شده است. در میان این ۷۶ مورد، در ۳۷ مورد صاحب کتاب توثیق شده، در ۶ مورد تضعیف شده و در سایر موارد توثیق یا تضعیفی ذکر نشده است.^۱

به این ترتیب مشاهده می شود که نجاشی در ذکر طریق کتب و مصنفات به راحتی به محمد بن خالد و پسرش استناد می کند و حتی در نقل کتب ثقات نیز این شیوه را در پیش می گیرد.

از موارد جالب توجه اعتماد به طریق مشتمل بر محمد بن خالد یا پسر وی در عین وجود طرق دیگر است. نجاشی درباره محمد بن مرزم بن حکیم (همو، ۳۶۵)، اسماعیل بن عبدالخالق (همو، ۲۷) و محمد بن الهیثم (همو، ۳۶۲) به روایت کتاب ایشان توسط جمعی از اصحاب تصریح نموده و در عین حال طریق مشتمل بر محمد بن خالد و یا پسرش را برگزیده است.^۲ مورد مشابه دیگری درباره کتاب نوادر بکر بن صالح است که نجاشی به اختلاف کتاب بر حسب روایان آن اشاره می کند و طریق برقی را می آورد. (همو، ۱۰۹)

دیگر قرینه آن که تعبیری مشابه با برقی پدر و پسر، درباره محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری ذکر شده است؛ (نجاشی، ۳۴۸) اما در مقام بررسی کتب وی تنها روایان غیر موثق مورد استثناء قرار گرفته اند (همانجا) که نشان از صحت نقل وی از ثقات دارد. آقای بهبودی (۱۸۹-۱۹۱) نیز احتمال اخذ از نسخ وجاده‌ای را درباره وی نداده اند. لذا برقی پدر و پسر در زمره روایان مورد اعتماد اصول و

^۱ برخی از ثقاتی که در نقل کتب آنها طریق مشتمل بر برقی پدر آورده شده است با این ارقام در رجال نجاشی آورده شده اند: ۵۰، ۱۲۵، ۱۴۷، ۲۵۶، ۲۷۶، ۳۵۳، ۴۶۳، ۴۷۰، ۶۳۷، ۷۱۳، ۹۲۵، ۹۸۶، ۱۰۷۴، ۱۱۷۸، ۱۲۰۲، ۱۲۱۷، ۱۲۲۱، ۱۲۲۸ همچنین نمونه هایی از ضعفی که طریق کتابهای ایشان مشتمل بر برقی پدر است عبارتند از: ۵۶، ۵۹۳، ۸۶۳، ۹۴۲ و سایرین نیز با این ارقام آورده شده اند: ۳۳، ۷۰، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۷۸۹، ۷۹۰، ۱۲۳۸، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۴، ۱۲۴۶، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۵، ۱۲۶۳

^۲ البته به عنوان استثنایی بر این شیوه باید به کتب حسین بن سعید اشاره نمود که در آن نجاشی به نقل از شیخ خود ابن نوح طرق مختلف کتب وی را (از جمله طریق مشتمل بر برقی) می آورد و آن گاه از قول وی می افزاید که آن چه میان اصحاب معمول است طریق احمد بن محمد بن عیسی اشعری است. (نجاشی، ۵۹)

مصنفات پیشینیان بوده اند جز آن که از یک مورد نمی توان غافل گردید و آن این که ابن الغضائری ضمن توثیق برقی درباره او نوشته است: «اکثر عن الضعفاء و لا یبالی عن اخذ علی طریقه اهل الاخبار...» (علامه حلی، ۱۴) و با تعبیر اخیر برقی را بیشتر دنباله رو تاریخ نگاران اعلام می کند که با تساهل و تسامح هر نقلی را در تاریخ مجاز می دانسته اند تا محدثان که بر نقل های استوار بیشتر مداومت داشته اند و احتمالاً برداشت استاد بهودی درباره برقی ناشی از همین تعبیر باشد.

درباره مراتب دانش و تقوای برقی پسر دو تعبیر دیگر از نجاشی نیز قابل توجه است. وی در مقام معرفی أحمد بن إسماعیل بن عبد الله پسر از این که وی را اهل فضل و ادب و علم می خواند و او را صاحب کتابهایی بی مانند می شمرد، به رابطه او با برقی پسر اشاره نموده و وی را تربیت شده برقی می داند. (همو، ۹۷) همچنین است تعبیر او درباره نوه دختری برقی پسر با نام علی بن أبی القاسم عبدالله بن عمران که پس از توثیق او و اشاره به فقیه، ادیب و فاضل بودن وی، تربیت او را به دست برقی پسر متذکر می شود. (همو، ۲۶۱)

از قرائن دیگر بر شهرت او، نقلی است که شیخ عبدالجلیل قزوینی در اثر خویش مشهور به النقض به نقل از صاحب بعض فضائح الروافض آورده است. او در این کلام مذهب امامیه را ساخته دست عده ای از بزرگان شیعه می داند و از ابن البرقی نیز در این بین یاد می کند. (مقدمه المحاسن / کز) ابن ندیم نیز برقی پدر و پسر را در زمره فقهای شیعه یاد کرده است. (ابن ندیم، ۲۷۶-۲۷۷)

۳- کتاب المحاسن

مجموعه کتب المحاسن مهمترین تالیف أحمد بن محمد بن خالد البرقی است. این کتاب بسیار بزرگ و عظیم بوده است. برقی در تالیف این اثر گردآوری علم دین را مد نظر داشته است. (ابن ادریس، ۶۴۰) شیخ طوسی (الفهرست، ۶۹) در معرفی کتاب الآداب از ابن عقده آن را کتابی بزرگ مشتمل بر کتابهای متعدد نظیر کتاب المحاسن می خواند.

این مطلب در جای خود نشان داده شده است که کتب حدیثی از کتب و اصول اولیه اصحاب تا تدوین نهایی به شکل کتب اربعه دوره های متفاوتی را طی نموده اند. یکی از تحولات مهم در این بین جامع نویسی یعنی تالیف کتب جامع با استفاده از میراث حدیثی بوده است. جامع نویسان فراوانی پیش

از صاحبان کتب اربعه وجود داشته‌اند^۱ برقی را به واسطه کتاب *المحاسن* باید در زمره مهمترین جامع‌نویسان قرن سوم دانست که تعدد کتب اثر وی و جامعیت آن الهام‌بخش تالیف بسیاری از کتب بعدی و نیز از مراجع تالیف آنها بوده است که تا قرون بعدی نیز این کتاب در دسترس بوده است. شیخ طوسی در کتاب *الفهرست* (۵۲-۵۳) به دسترسی خود به شماری از کتب *المحاسن* تصریح می‌نماید و سپس از فهرست ابن بطه نام کتابهای دیگری را بر آن می‌افزاید در حالی که نجاشی (۷۷) تنها به ذکر نامهای کتابها طبق فهرست ابن بطه اکتفا نموده است. در مقام تطبیق این دو فهرست از نامها باید گفت که نام ۴۷ کتاب از فهرست نجاشی عیناً در فهرست کتابهایی که طوسی در اختیار داشته، به چشم می‌خورد که عبارتند از: التراحم و التعاطف، التبصرة، الرفاهية، الزی، الزينة، المرافق، المرشد، الصيانة، الفراسة، الحقائق، الإخوان، الخصائص، المآكل، مصابيح الظلم، الثواب، العقاب، المعيشة، النساء، الطيب، العقوبات، السفر، أدب النفس، التحذير، التهذيب، التسلية، أدب المعاشرة، مكارم الأخلاق، مذام الأخلاق، مذام الأفعال، الحياة^۲، الصفوة، الفروق، الغرائب، العجائب، المنافع، الدواجن و الرواجن، الشعر و الشعراء، النجوم، الزجر و الفال، الدعاء، الأجناس و الحيوان، فضل القرآن، الأمثال، التاريخ، النحو، الأفانين و النوادر

نام ۱۶ کتاب دیگر در فهرست نجاشی با نوعی تغییر و تبدیل در فهرست طوسی همراه است که در جدول ذیل به صورت تطبیقی آمده است:

ردیف	فهرست نجاشی	فهرست طوسی	توضیحات
۱	التبليغ و الرسالة	الإبلاغ	
۲	المواعظ	الزهد و المواعظ	
۳	المواهب	المواهب و الحظوظ	
۴	تفسير الحديث	تفسير الأحاديث و أحكامه	
۵	أحاديث الجن و إبليس	بدء خلق إبليس و الجن	
۶	الأوامر و الزواجر	الزواجر	
۷	معاني الحديث و التحريف	المعاني و التحريف	
۸	علل الحديث	اختلاف الحديث	

^۱ برای آشنایی بیشتر با پدیده جامع‌نویسی و مؤلفان پیشین جوامع حدیثی نک. معارف، ۴۵۲-۴۵۶ و طباطبایی و رضا داد

^۲ طوسی از نامیده شدن این کتاب به نام النور و الرحمة هم خبر می‌دهد.

۹	الأنساب	المآثر و الأنساب	
۱۰	المغازی	مغازی النبی	
۱۱	المحوبات	المحوبات و المكروهات	ادغام دو کتاب در یک کتاب در فهرست طوسی
۱۲	المكروهات		
۱۳	السماء	خلق السماوات و الأرض	ادغام دو کتاب در یک کتاب در فهرست طوسی
۱۴	الأرضین		
۱۵	التحریف	التخويف	احتمالاً باید یکی به دیگری تصحیف شده باشد
۱۶	تعبير الرؤيا	التعبير الرؤيا	طوسی از دو کتاب یاد کرده است.

از نکات عجیب این که نجاشی از ۱۸ کتاب نام می‌برد بی آن که طوسی از آنها یاد کرده باشد یا از تکمله فهرست ابن بطه نام آنها را آورده باشد. این کتابها عبارتند از: النجابه، العویص، المشارب، الطبقات، أفاضل الأعمال، أخص الأعمال، المساجد الأربعة، الهدایة، مکارم الأفعال، الاحتجاج، اللطائف، المصالح، صوم الأيام، البلدان و المساحة، الأزاهیر، أحكام الأنبياء و الرسل، الأصفیة و الروایة شیخ طوسی نیز در تکمله‌ای که از فهرست ابن بطه نقل می‌کند نام ۹ کتاب از کتب موجود در فهرست نجاشی را می‌آورد؛ اما نام ۴ کتاب الطب، التبیان، التهانى و التعازی را نیز ذکر می‌کند که در فهرست نجاشی به دو کتاب اول اشاره‌ای نشده و دو کتاب بعدی نیز جزء المحاسن نبوده و در زمره سایر تألیفات برقی آمده است. این وضعیت درباره کتاب أخبار الأمم نیز وجود دارد؛ زیرا طوسی این کتاب را با نام أنساب الأمم در زمره المحاسن قرار داده ولی نجاشی آن را در زمره سایر تألیفات می‌داند. همچنین شیخ طوسی نام ۲۲ کتاب را در مجموعه‌ای که خود بدان دسترسی داشته می‌آورد که در نقل نجاشی از فهرست ابن بطه نامی از آنها آورده نشده است. این کتابها عبارتند از: المكاسب، المعاریض، الشواهد من، الله عز و جل، السوم(الشوم)، الأركان، الماء، الفهم، العلل، العقل، غریب کتب المحاسن، التناویل، الإمتحان، العین، العیافة و القیافة، الطیر، الحیل، التفویض، ثواب القرآن، المنتخبات، الدعابة و المزاح، الترغیب و بنات النبی صلی الله علیه و آله و أزواجه

به این ترتیب در بیان نجاشی کتب *المحاسن* مشتمل بر ۹۰ کتاب و در بیان شیخ طوسی افزون از ۱۰۰ کتاب است. دقت در عناوین کتابها نشان می‌دهد که کتاب *المحاسن* علاوه بر جامعیت کم نظیر در احادیث تا حدی فراتر از دایره احادیث را نیز در بر داشته و در برخی از کتابهای خود به مباحثی چون رجال و طبقات الرجال، أنساب، مغازی و غیره نیز پرداخته است که کتاب را تا حد زیادی به نوعی دایرة المعارف نزدیک می‌کند.^۱

بنا به بزرگی و گستردگی این کتاب به نظر می‌رسد در نقل در طبقات بعدی تا حدی دچار افزونی و نقصان در تعداد کتابها بوده است. تعابیر نجاشی و طوسی بیانگر همین موضوع است:

" و صنف کتبا منها: *المحاسن* و غیرها و قد زید فی *المحاسن* و نقص ... " (نجاشی، ۷۶)

" و صنف کتبا کثیره منها: *المحاسن* و غیرها و قد زید فی *المحاسن* و نقص. فمما وقع إلی منها: "

(طوسی، الفهرست، ۵۲)

البته آقای بهبودی (۱۰۵) این تعبیر را زید می‌داند و آن را به خود مؤلف باز می‌گرداند بدین شرح که برقی گاهی برخی از کتب خود را جزء *المحاسن* قرار می‌داده و گاه خیر.

در هر حال تعبیر شیخ طوسی روشن‌گر این معناست که منظور از "زید و نقص" تغییر در متن کتب *المحاسن* نیست بلکه در تعداد کتابهای آن است؛ زیرا پس از ذکر این عبارت با فاء تفریع به ذکر نام کتابهای *المحاسن* می‌پردازد. این مطلب با کم و زیاد شدن تعداد کتابها سازگار است و نه تغییر در متن آنها.

از دیگر توصیفات کتاب *المحاسن* باید به تعبیر مهم صدوق (۳) در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه اشاره نمود که *المحاسن* را جزء کتب مشهور، مرجع و مؤول نزد شیعه و نیز جزء مدارک خود در تالیف کتاب من لا یحضره الفقیه می‌خواند. این امر اهمیت فوق العاده‌ای به این کتاب می‌بخشد. این مطلب نشان می‌دهد که اختلاف نسخ و آشفتگی چندانی تا زمان صدوق در این کتب وجود نداشته است. در غیر این صورت مرجع و معول خواندن آنها تا حدی بی معنا خواهد شد.

نجاشی در ترجمه محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری مطلب مهم دیگری را درباره *المحاسن* آورده است. عبدالله بن جعفر صاحب کتاب *قرب الإسناد* از شخصیت‌های ممتاز قم است که در کوفه نیز به استماع مفصل حدیث نائل شده است. (نجاشی، ۲۱۹-۲۲۰) محمد بن عبدالله نیز توسط نجاشی ثقه و وجه خوانده شده است. (همو، ۳۵۴) محمد - که دسترسی او به واسطه استماع مفصل حدیث توسط

^۱ از جمله قرائنی که مرحوم محدث ارموی در مقدمه *المحاسن* بر این مطلب اقامه نموده است ارجاعات مسعودی در *مروج الذهب* و الرافعی در *التدوین* فی ذکر أخبار القزویین از برقی پسر است. (نک. مقدمه *المحاسن*: که)

پدرش باید بسیار وسیع باشد- درباره انگیزه تألیف کتابهای الحقوق، الأوائل، السماء، الأرض، المساحة و البلدان، إبلیس و جنوده و الاحتجاج گفته است که کتابهای المحاسن را در این موضوعات گم کرده و نتوانسته به دست آورد؛ از این رو با مراجعه به أصول و مصنفات اولیه، شبیه به کتابهای المحاسن را پدید آورده است. (همو، ۳۵۵)

دو نکته مهم از این مطلب روشن می‌شود نخست آن که وی با داشتن کتب برقی خود را از مراجعه به اصول اولیه بی نیاز می دانسته و نکته مهمتر آن که روایات کتاب برقی قابل استحصال از اصول و مصنفات نخستین - آن هم توسط راوی معتبر دیگری - بوده است. این امر نشانگر أصالت منابع و مصادر برقی در تألیف المحاسن است.^۱

در بیان متاخرین چون قاضی نور الله شوشتری و محمد تقی مجلسی نیز توصیفاتى درباره این کتاب وجود دارد که در این جا از ذکر آن می‌پرهیزیم. (نک. مقدمه المحاسن / ی - یا)

۴- المحاسن موجود

متأسفانه بخش بزرگی از کتاب المحاسن در گذر ایام از بین رفته است. آن چه هم اکنون از این کتاب بر جای مانده تنها ۱۱ کتاب است که عبارتند از:

کتاب الأشکال و القرائن، شامل روایاتی که در آنها اعداد ۳ تا ۱۰ بکار رفته و همچنین وصایای پیامبر و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام

کتاب ثواب الأعمال، شامل روایاتی درباره پاداش اعمال خیر

کتاب عقاب الأعمال شامل روایاتی درباره مجازات اعمال ناپسند

کتاب الصفوة و النور و الرحمة، شامل روایاتی درباره مقام و منزلت رسول خدا و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام و شیعیان آنان

کتاب مصابیح الظلم، در بر دارنده مباحث شناخت و معرفت حق

کتاب العلل، شامل علل و حکمتهای احکام شرعی

کتاب السفر، شامل احکام و روایاتی درباره سفر

کتاب المآكل، پیرامون احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها.

^۱ تنها نکته مبهم این قضیه آن است که محمد بن عبدالله در فاصله دو نسل پس از برقی (وی معمولاً به واسطه پدرش از أحمد بن محمد بن خالد روایت می‌نماید) اظهار می‌کند که نسخ برخی از کتب المحاسن در دسترس نبوده است که این مطلب با مشهور خواندن این کتب توسط صدوق چندین سازگار نیست که البته باید آن را به برخی از کتابهای المحاسن مربوط دانست.

کتاب الماء، شامل احکام آبها

کتاب المنافع، شامل احکام استخاره و مشورت.

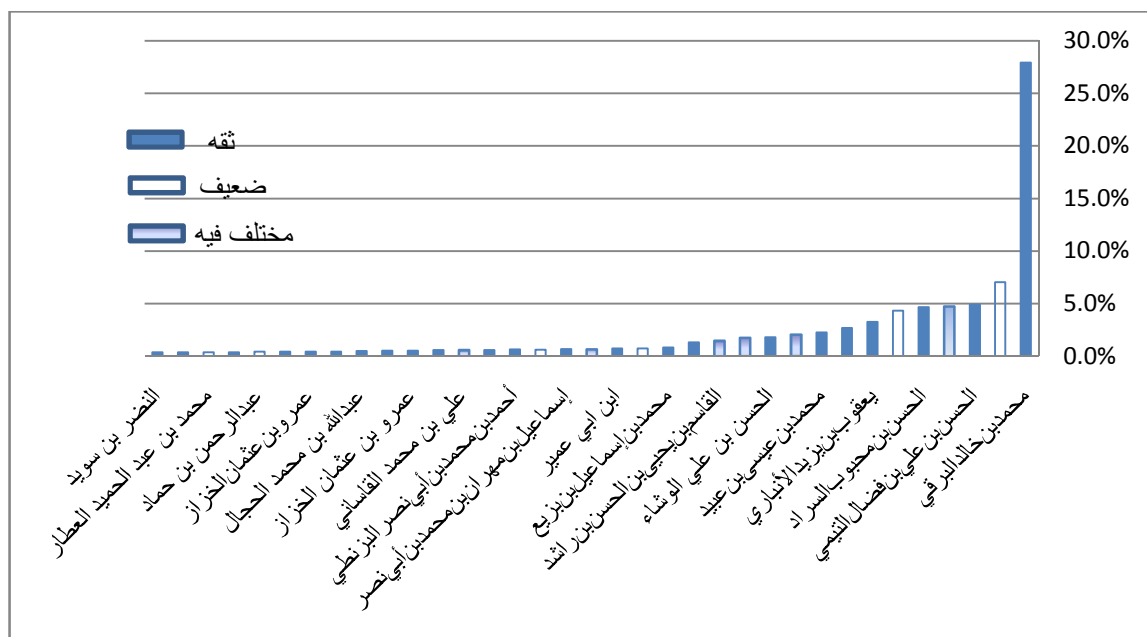
کتاب المرافق، شامل احکام منزل و نظافت و وسایل رفت و آمد

دقت در عناوین کتابهای *المحاسن* نشان می‌دهد که برقی موضوعات ابتکاری و جالب فراوانی را در تالیف کتب روایی مد نظر قرار داده است و محدثان پس از وی چون صدوق نیز در عناوین نزدیک به آثار او دست به تالیفات گسترده‌تر زده‌اند.

۵- مشایخ برقی

درباره مشایخ برقی پسر می‌توان از دو مجموعه کمک گرفت. نخست اجزای باقیمانده از کتاب *المحاسن* و دوم کتاب *الکافی* که روایات زیادی را از برقی در بردارد.

جستجوی تعداد روایات هر یک از مشایخ برقی در *المحاسن* به کمک نرم افزار نور جامع الأحادیث نسخه ۲/۵ صورت گرفته است و تمامی مشایخ حدیثی برقی پسر که ۱۰ روایت یا بیشتر از ایشان نقل شده، در این آمار ملحوظ شده است. در مجموع بیش از ۸۰٪ روایات *المحاسن* بر گرفته از این مشایخ است. در بین این مشایخ مهمترین شیخ برقی پسر را باید پدر وی دانست. در مجموع ۲۷/۹٪ از روایات *المحاسن* به نقل از محمد بن خالد برقی است. نمودار ذیل معرف مشایخ مهم برقی در *المحاسن* است. در این نمودار ستونهای خالی معرف مشایخ تضعیف شده توسط نجاشی و افراد بدون توثیق یا تضعیف نیز مشخص شده‌اند.

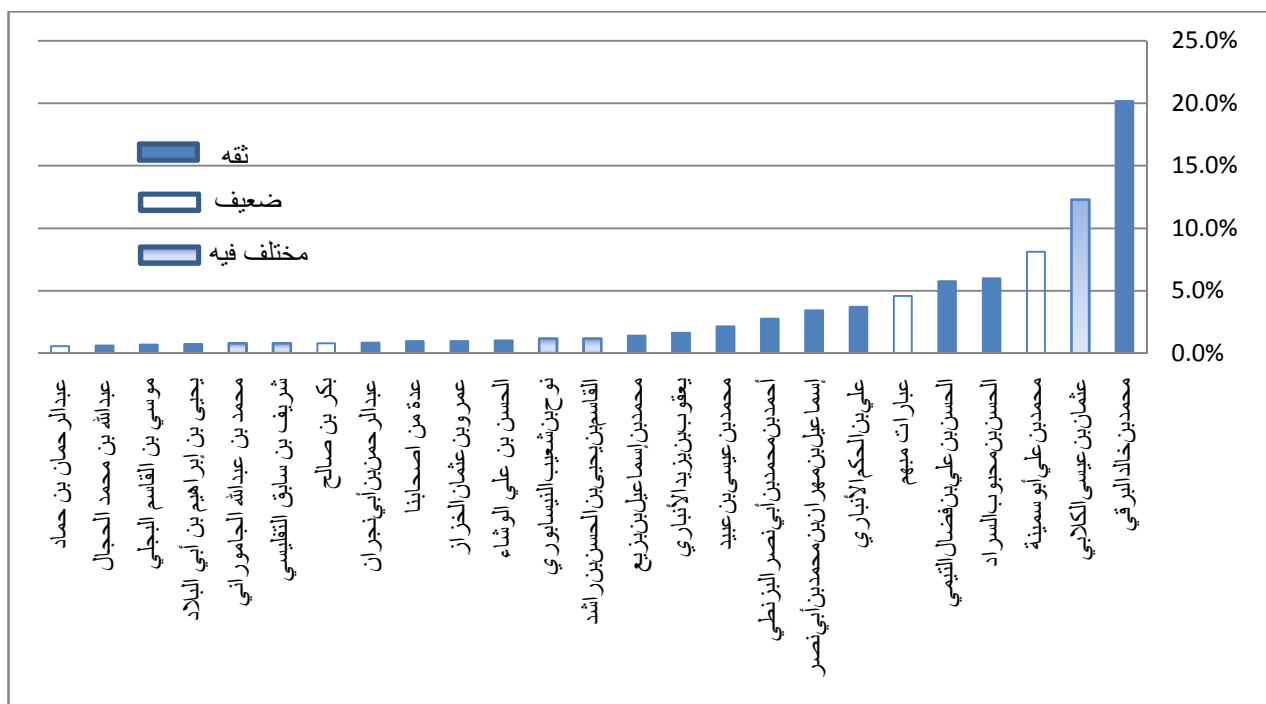


نمودار مشایخ احمد بن محمد بن خالد برقي در المحاسن

ملاحظه می‌شود که بیشترین آمار مربوط به افراد موثق بوده و در مجموع ۵۶/۸٪ از مشایخ برقی در روایات المحاسن توسط نجاشی موثق شمرده شده‌اند. همچنین ۱۱/۷٪ نیز متعلق به مشایخی است که توسط نجاشی توثیق یا تضعیف نشده‌اند. همچنین ۱۳/۱٪ نیز در زمره مشایخ تضعیف شده توسط نجاشی هستند.

بنا بر این آمار درباره برقی پسر باید گفت که نقل فراوان او از ضعفاء لااقل در بخش برجای مانده المحاسن رخ نداده است و شاید در سایر آثار او نمود یافته باشد.

آمار دیگری با استفاده از روایات منقول از برقی پسر در الکافی قابل دستیابی است. نتایج این آمار در نوار ذیل به چشم می‌خورد.



نمودار مشایخ احمد بن محمد بن خالد برقی در الکافی

برای مقایسه این دو آمار با یکدیگر باید به نکات مهمی توجه داشت. نخست آن که امکان دارد روایت کلینی از برقی در پاره ای موارد به صورت شیخ اجازه بوده باشد و در حقیقت کتاب یکی از مشایخ برقی را از طریق او در الکافی روایت کرده باشد. به عنوان مثال واضحی از این دست باید به شریف بن سابق التقلیسی اشاره نمود که راوی کتاب فضل بن ابی قره بوده است (نجاشی، ۳۰۸) و روایات برقی از وی در الکافی در حقیقت مربوط به کتاب فضل بن ابی قره بوده و ارتباطی با المحاسن ندارد. برای مواردی دیگری از این دست باید به موارد احتمالی چون عثمان بن عیسی الکلابی در روایت کتاب سماعة بن مهران، محمد بن عبدالله الجامورانی در روایت کتاب حسن بن علی بن ابی حمزة و همچنین کتاب اسماعیل بن مهران (طوسی، الفهرست، ۳۵) که توسط برقی پسر روایت شده، اشاره نمود. با در نظر نگرفتن این افراد در بین این دو فهرست آشکار می‌شود که شباهت فراوانی میان این دو فهرست از مشایخ وجود دارد. از آن مهمتر این که درصد روایات متعلق به هر شیخ نسبت به کل طرق در المحاسن و الکافی تفاوت بسیار کمی دارد. جدول ذیل مقایسه تطبیقی بین این دو فهرست را به همراه تفاوت‌های آنها نشان می‌دهد.

ر	نام شیخ	درصد روایات برقی	درصد روایات برقی
---	---------	------------------	------------------

	از شیخ در المحاسن	از شیخ در الکافی
۱	محمد بن خالد البرقی	۲۷/۹٪
۲	محمد بن علی ابوسمینه	۸/۱٪
۳	الحسن بن محبوب السراد	۴/۷٪
۴	الحسن بن علی بن فضال التیمی	۵/۸٪
۵	عبارات مبهم	۴/۳٪
۶	علی بن الحکم الأنباری	۳/۷٪
۷	أحمد بن محمد بن أبی نصر البزنطی	۲/۸٪
۸	محمد بن عیسی بن عبید	۲/۲٪
۹	یعقوب بن یزید الأنباری	۱/۶٪
۱۰	محمد بن إسماعیل بن بزيع	۱/۴٪
۱۱	القاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد	۱/۵٪
۱۲	نوح بن شعیب النیسابوری	۱/۲٪
۱۳	الحسن بن علی الوشاء	۱/۸٪
۱۴	عمرو بن عثمان الخزاز	۱/۰٪
۱۵	عدة من اصحابنا	۱/۰٪
۱۶	عبدالرحمن بن أبی نجران	۰/۸٪
۱۷	بکر بن صالح	۰/۷٪
۱۸	یحیی بن إبراهیم بن أبی البلاد	۰/۷٪
۱۹	موسی بن القاسم البجلی	۰/۷٪
۲۰	عبدالله بن محمد الحجال	۰/۶٪
۲۱	عبدالرحمان بن حماد	۰/۶٪

مشابهتهای فراوان این دو فهرست از مشایخ و میزان روایات آنها می‌تواند اضافه بر نشان دادن استفاده کلینی از المحاسن در تالیف الکافی، نشانه‌ای بر اصالت بخش برجای مانده المحاسن نیز باشد. البته این امر نیاز به تحقیق گسترده‌تری دارد که در فرصتی دیگر به حول و قوه الهی صورت خواهد پذیرفت.

نتیجه گیری

در این مقاله با کاوشی در منابع رجالی ضمن معرفی خاندان مهم برقی وثاقت دو تن از مهمترین ایشان یعنی محمد بن خالد برقی پدر و احمد بن محمد بن خالد برقی پسر مورد بررسی قرار گرفت و شواهد آن ارائه گردید. از دیگر سو نسبت نقل از نسخ وجاده ای توسط ایشان مورد نقد قرار گرفت و نادرستی آن با برخی شواهد نشان داده شد.

با توجه به ابهامات پیرامون کتاب *المحاسن* با بررسی اسناد روایی بخش باقیمانده از کتاب نشان داده شد که نقل از *ضعفاء* هرچند در *المحاسن* وجود دارد اما بیشترین نسبت نقل از آن مشایخ معتبر است. از دیگر سو در مقایسه ای میان فهرست مشایخ برقی در *المحاسن* موجود از یک سو و مرویات کلینی از او در *الکافی* از سوی دیگر می توان قرائنی را بر اصالت بخش برجای مانده از *المحاسن* ارائه نمود.

کتابشناسی

- ۱- ابن داود، حسن بن علی، *رجال*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳ق.
- ۲- ابن ادریس، محمد، *مستطرفات السرائر*، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۱ق.
- ۳- ابن زین الدین، حسن، *منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۶۲
- ۴- ابن غضائری، *رجال*، موسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴ق. (چاپ شده ضمن مجمع الرجال قهپائی)
- ۵- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، دار الکتب الاسلامیه، قم، بی تا
- ۶- همو، *رجال*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳ق.
- ۷- بهائی، مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، مکتبه بصیرتی، قم، بی تا
- ۸- بهبودی، محمد باقر، *معرفة الحدیث*، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲

- ۹- حلی، خلاصه الاقوال، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.
- ۱۰- خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۱- شبیری، محمد جواد، برقی، دانشنامه جهان اسلام،
- ۱۲- شهید ثانی، زین الدین، الرعاية فی علم الدراية، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۸ ق.
- ۱۳- صدوق، محمد بن علی، کتاب من لا يحضره الفقيه،
- ۱۴- طباطبایی و رضا داد، سید کاظم طباطبایی و علیه رضاداد، جامع نویسان پیش از کلینی، علوم حدیث، ش ۵۱، بهار ۱۳۸۸
- ۱۵- طوسی، محمد بن الحسن، الفهرست، المكتبة المرتضوية، نجف، ۱۳۵۶ ق.
- ۱۶- همو، رجال، المكتبة الحيدرية، نجف، ۱۳۸۱ ق.
- ۱۷- همو، اختیار معرفة الرجال، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
- ۱۸- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵
- ۱۹- معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مؤسسه فرهنگی هنری ضریح، تهران، ۱۳۷۶
- ۲۰- نجاشی، أحمد بن علی، رجال النجاشی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ ق.